

حکومت ابن اسفندیار در کرمان (محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری)

شمس‌الدین نجمی

کرمان در عصر قاجار

یکی از دوره‌های مهم سیاسی - اجتماعی تاریخ کرمان دوره قاجار است که از سال (۱۲۰۸ق/ ۱۷۹۶م تا ۱۳۳۴ق/ ۱۹۲۲م) به طول انجامید. بزرگ‌ترین بدبختی و مصیبت را برای کرمان سلسله قاجار به ارمغان آورد. با یورش وحشیانه آقامحمدخان قاجار، کرمان به ویرانه‌ای تبدیل شد. به‌گونه‌ای که این شهر زیبای حاشیه کویر دیگر قابل سکونت نبود و سالها روی آبادی به خود ندید.

آقامحمدخان قاجار، در سال (۱۲۰۸ق/ ۱۷۹۶م) به دنبال آمدن لطفعلی‌خان زند به کرمان، که در پاسخ به دعوت و استقبال بزرگان و مردم کرمان به این شهر پناه آورده بود، از روی خشم و کینه و انتقام به تخریب، قتل عام و غارت کرمان فرمان داد. به‌طوری که کرمان آباد و زیبای به‌جامانده از دوره صفوی را به ویرانه‌ای با جمعی، کور، معلول و بیمار تبدیل کرد. علاوه بر ویرانی شهر و کشتار مردم، مصایب و مشکلات زیر پیامد و دستاورد این حمله ناجوانمردانه به شهر کرمان بود:^۱



- ۱- مهاجرت بزرگان، علما، توانگران و دودمانهای بومی و قدیمی کرمان به دیگر ایالات ایران؛
 - ۲- انجام بزرگ‌ترین نسل‌کشی تاریخ کرمان؛
 - ۳- نابود شدن نیروی انسانی فعال کرمان و باقی ماندن جمعی کور و بیمار؛
 - ۴- به‌وجود آمدن بزرگ‌ترین استحاله قومی در منطقه؛
 - ۵- ایجاد ناامنی اجتماعی و روانی شدید در منطقه؛
 - ۶- تعطیل شدن مرکزیت علمی منطقه که از زمان قراختایان و صفویه فعالیت داشت؛
 - ۷- بسته شدن راه تجاری- شرق به غرب و جنوب به شمال؛
 - ۸- انهدام قطب تجاری- اقتصادی کرمان در پی خرابی شهر کرمان و مسدود شدن راهها.
 - ۹- تخریب و نابودی زمینهای کشاورزی در پی انهدام قناتها و مهاجرت کشاورزان و روستاییان؛
 - ۱۰- ایجاد تنفر و کینه دائمی و فراموش‌نشده کرمانیها از شاهان و حکام قاجار.
- چهار سال پس از این حادثه و فتنه دردناک، فتحعلی‌شاه (جانشین آقامحمدخان) به اشاره و توصیه و اخطار بعضی از بزرگان، درباریان، علما و عرفای آواره کرمانی، به نتایج این افتضاح تاریخی پی برد و متوجه خطرهای و خسارتهای آن شد و به اصطلاح برای دلجویی مردم و جبران خسارتها و خرابیهای این معرکه، حکومت کرمان را به ابراهیم‌خان ظهیرالدوله قاجار^۲ عموزاده خود واگذار کرد. ابراهیم‌خان در بازدیدی که پس از ورود خود در روزهای اول حکومت از شهر ویران‌شده کرمان، به‌عمل آورد با تعجب و عصبانیت به همراهان خود گفت: «اینجا که محل زندگی نیست! اینجا که ویرانه است! چرا این شهر بدین صورت درآمده است؟» سپس دستور داد در جانب غربی شهر ویران شده، شهر تازه‌ای (محل‌های تازه) بسازند و با احیا و بازسازی تعدادی از قناتها و تشویق مردم ایالات همسایه، به مهاجرت به کرمان و تأمین راههای ارتباطی و نظم و نسق در بلوچستان^۳ و ساختن بازار، کاروانسرا و قیصریه دوباره به اقتصاد کرمان، جان تازه‌ای بخشید.

سی و هفت سال پس از ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، محمد اسماعیل‌خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) و پس از او پسرش، مرتضی قلی‌خان (وکیل‌الملک دوم) که در مجموع بیست سال بر کرمان حکومت داشتند، در کنار مجموعه گنجعلی‌خان و ابراهیم‌خان مجموعه دیگری



شامل بازار، کاروانسرا، حمام، مسجد و آب انبار کرمان بنا نهادند که بعدها، سرای سردار هم به این مجموعه افزوده شد. این مجموعه، امروز در بازار کرمان برپاست و مورد استفاده اصناف، بازرگانان و پیشه‌وران قرار دارد.^۴

حکومت کیومرث میرزا

در سال (۱۲۷۶ق/ ۱۸۶۰م) شاهزاده کیومرث میرزا عمیدالدوله^۵ به پیشکاری^۶ محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری، به حکومت کرمان منصوب گردید و روانه کرمان شد. این شاهزاده، حدود دو سال به‌طور رسمی به حکمرانی اشتغال ورزید. اما اداره امور حکومتی ایالت کرمان، به‌طور رسمی با محمداسماعیل خان بود. در این زمان به علت هجوم ملخ به مزارع و ملخ‌خوارگی، در کرمان قحطی و گرانی روی داد. به همین سبب عوام نادان، به کرات به دارالحکومه رفتند و دست به شورش و غوغا زدند. شاهزاده کیومرث میرزا هم، آنان را استمالت می‌کرد. ولی عوام دست‌بردار نبودند و به زحمات و حرکات خود می‌افزودند. شاهزاده هم به دلداری آنها می‌افزود. تا اینکه به همین سبب شاهزاده به دارالخلافه احضار و از حکومت کرمان عزل شد.

حکومت ابن اسفندیار در کرمان

منظور از ابن اسفندیار محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری^۷ فرزند فتحعلی خان معروف به «کوه نور» است که از آغاز دولت قاجار، خدمات بزرگی به سلاطین این دودمان کرد و در سال (۱۲۶۱ق) مأمور توقف^۸ در کرمان شد. در این زمان، املاکی از خالصجات دیوانی را به تیول گرفت و در آبادی آن املاک همت کرد.^۹ از شعبان ۱۲۷۵ق تا ۱۲۷۷ق نایب‌الحکومه کرمان بود و از آن پس تا ۱۶ جمادی‌الآخر ۱۲۸۴ق که درگذشت حکمرانی کرمان و بلوچستان را در دست داشت. محمداسماعیل خان، مردی نیک‌فطرت، خوش‌طبیعت و دارای کمالات رسمیه و صفات پسندیده بود. در کرمان از هر جهت علاقه تامه به هم رسانید. با همه طوایف بزرگ کرمان وصلت کرد و قرابت نمود. دختر داد و برای پسرهای خود دختر گرفت. علاوه بر امور حکومتی، درباب تجارت با کلکته (هندوستان) و اربابی و فلاحت در کرمان، اول تاجر و اول ملّاک بود.^{۱۰} فتوت و



جوانمردی، مردم‌داری، علاقه کامل او به امور زراعت و خدمات برجسته وطن‌پرستی و ایستادگی او در مقابل بیگانگان و حسن کفایت و تدبیر او هنوز مورد ستایش و ضرب‌المثل اهالی کرمان است.^{۱۱}

فتحعلی خان کوه نور

فتحعلی خان (کوه نور) فرزند محمدرضاخان^{۱۲} از سرداران نامی عصر قاجار (فتحعلی شاه) است که به شهادت تاریخ در جنگهای ایران و روس در جبهه قفقاز به‌ویژه در ایروان رشادت و خدمات بزرگ و شایسته‌ای انجام داد. محمدرضاخان، پس از آنکه از آقامحمدخان قاجار شکست خورد به سوی مورچه‌خورت (اصفهان) گریخت. فتحعلی خان (کوه نور) فرزند او هم به سوی مُشگین شهر و تبریز در آذربایجان، که در آنجا به توارث علایق ملکی داشت، فرار و آنجا سکونت اختیار کرد. در این هنگام آقامحمدخان قاجار، سرگرم مبارزه و زد و خورد با لطفعلی خان زند و دیگر مدعیان سلطنت بود. بدین سبب، مجال و فرصتی برای تعقیب فرزندان و اعقاب محمدرضاخان نداشت. تا اینکه فتحعلی خان (کوه نور) مبلغ ده هزار تومان به آقامحمدخان قاجار تقدیم داشت تا از تعقیب کسان و فرزندان محمدرضاخان دست بردارد. درخواست او اجابت شد و به این ترتیب جمع‌آوری فرزندان و اقارب محمدرضاخان و محافظت و نگهداری آنان بر اثر لیاقت و حسن تدبیر فتحعلی خان کوه نور (پدر محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری) انجام پذیرفت. زمانی که فتحعلی خان کوه نور در آذربایجان (تبریز) به سر می‌برد دو پسر او یکی محمدمهدی خان، که در نور مازندران دم و دستگاهی وسیع و زندگی مرفه و آسوده‌ای داشت که تعداد زیادی از افراد خاندان اسفندیاری از جمله اسدالله نوری اسفندیاری^{۱۳} از اعقاب او هستند و دیگری محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری که دولت او را مأمور کرمان کرد و در آنجا اقامت گزید که اسفندیاری‌های کرمان از نسل و تبار او هستند.



محمد اسماعیل خان نوری اسفندیاری

محمد اسماعیل خان نوری فرزند فتحعلی خان (کوه نور) از شعبان سال ۱۲۷۵ق تا ۱۲۷۷ق نایب‌الحکومه کرمان بود و از آن پس تا پایان عمر (جمادی‌الآخر ۱۲۸۴ق) حکمران کرمان و بلوچستان بود. نامبرده در سال ۱۲۷۶ق که وزارت کرمان را داشت ملقب به وکیل‌الملک شد و در سال ۱۲۸۲ق علاوه بر لقب وکیل‌الملکی به لقب سرداری هم نایل آمد و از این تاریخ، او را وکیل‌الملک سردار یا سردار محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک خطاب می‌کردند.^{۱۴}

محمد اسماعیل خان نوری، از بزرگان و رجال نامی عصر خود بود. چند بار ناصرالدین شاه قاجار تصمیم گرفته بود او را به صدارت عظمی منصوب نماید. وکیل‌الملک از اوضاع دربار ناراضی بود و اصلاح امور درهم و پیچیده دربار قاجار را غیرممکن می‌دید. لذا بدین سبب از قبول منصب صدارت و زمامداری شانه خالی می‌کرد. هر وقت که ناصرالدین شاه درباریان خود را تهدید می‌کرد صریحاً می‌گفت: «کاری نکنید زنجیر آن شیر ژیان را که در کرمان خفته است، رها و بلای جان شما کنم. چه آنکه از همه شما لایق‌تر و در امور کشور بصیرتر است».^{۱۵}

در ابتدا در دستگاه ولیعهد^{۱۶} در آذربایجان (تبریز) به خدمتگزاری و انجام خدمات اشتغال داشت. در سال «قوی نیل»^{۱۷} (۱۲۷۵ق) به اقتضای رأی جهان آرای اعلیحضرت قدر قدرت شهریار شعار، ناصرالدین شاه قاجار به پیشکاری مملکت کرمان، درجه امتیاز حاصل نمود. اهل کرمان را که به مرور ایام، از حوادث زمان شیرازه اوراق تعیش ازهم گسیخته و برگ ثمر نخل زندگانی به خاک ریخته بود، بخت مساعد یار و دولت بیدار بر کنار آمد. بعد از مأموریت و ورود (به کرمان) به مقتضای فرط کفایت و کاردانی، تمهید اسباب آسوده‌خاطری رعیت را وجهه همت نمود و به‌جز اشاعه امنیت و حفظ ثغور و سرحدات و انتظام طرق و شوارع، به کار دیگری توجه نکرد.^{۱۸}

خدمات

۱- طایفه بهارلو (از طوایف ایلات فارس) را که در آن زمان، آغاز شرارت و هرزگی نموده و سر از گریبان برآورده و در حدود کرمان دست تطاول گشوده بودند، تنبیه کامل نمود. رؤسای آنها را



بند نهاد و با غل و زنجیر به دربار شوکت‌مدار فرستاد. تقریباً دویست خانوار از طایفه مزبور را در بلوک نرماشیر سکونت داد و در حق آنها، مدد معاش از نقد و جنس مقرر داشت. تا به شرارت و فساد برنخواست، به جای خود نشینند و به نوکری و رعیتی پردازند، در همین سال (۱۲۷۵ق) خیرالله کشکولی را که به شرارت مشهور و از متمدان بود و با راهزنان موافق و همدستی داشت، به سزا گوشمالی داد.^{۱۹}

۲- در سال دوم ورود خود به کرمان، (۱۲۷۶ق) توسن خیال را به نظم بلوچستان تاخته و به دفع آزادخان خاراایی (افغان) پرداخت. چه او همواره گرفتار هوای تصرف جالق و دزک بود.^{۲۰} و به خیال بیهوده، منتظر به دست آوردن فرصت برای ایجاد اختلاف و نفاق میان خوانین بلوچ بود. وکیل، با استعداد (سپاه) کامل به تسخیر قلاع یاد شده برخاست.^{۲۱}

وکیل‌الملک، پس از شنیدن این خبر، با اینکه موقع مناسبی برای سفر به گرمسیر نبود، تجهیز لشکر نمود و عزم سفر به بلوچستان نمود. بعد از ورود به بم و نرماشیر، مصلحت چنان دید که برای وحشت آزادخان افغان و اطمینان سپاه خود، در ریگان^{۲۲}، که آخر خاک نرماشیر و اول خاک بلوچستان است، اقامت نماید و قشون مأمور دارد. لذا به اقتضای مصلحت و رأی صائب، جمعیتی فراوان از سواره و پیاده و فوج و توپخانه و جمازه‌سوار (شترسوار) از ریگان مأمور داشت و خود در آنجا متجاوز از دو ماه ماند و پی در پی سپاه را پشتیبانی کرد و کمک فرستاد. تا سرانجام به قول او: «از بخت بلند ذات اقدس شاهنشاهی، آزادخان افغان بعد از مقاتله و مجادله شکست فاحش دید و به خاران^{۲۳} گریخت و قشون کرمان پیروزمندانه معاودت کرد».^{۲۴}

۳- بعد از اینکه امور کرمان و بلوچستان را به نظم آورد و نعمت امنیت برقرار شد، وکیل‌الملک به مقتضای فطرت و طبیعت، رفاه و تربیت مردم و آبادانی ولایت را مورد توجه قرار داد. سپس تشویق اهل حرف و صنایع و احیای اراضی موات و احداث قنوات را، که بهترین خیرات و مبرات است، شروع کرد و بنای تجارت گذاشت. بدین هدف و امید که شاید در دل مردم این دیار، آتش همت و غیرت مشتعل و میل و هوای تربیت آب و خاک در آنها زنده شود و مُلک آهنگ آبادی گیرد. وکیل‌الملک ابتدا، برای تیمن و تبرک، امارتی وسیع برای (تعزیه‌داری خامس آل‌عبا) حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، در شهر کرمان بنا نهاد و آن را وقف نمود. تا همه ساله در ایام عاشورا در



این عمارت مراسم عزاداری برگزار شود و بدین منظور، سه دانگ از مزرعه کوش ریز^{۲۵} را که قبل از مأموریت به خدمت در کرمان خریداری کرده بود، برای مصارف آب و آتش مراسم عزاداری وقف نمود.^{۲۶}

۴- از عادت و سنن پسندیده او برای دادرسی و عدالت‌گستری این بود که چه در زمستان و چه در تابستان هر ساله، به سرحد گرمسیر مسافرت می‌کرد و به اعمال غم‌ال و ضابطین^{۲۷} رسیدگی می‌کرد و شخصاً به رفع ظلم و تعدی می‌پرداخت. فقرا و ضعفا را مورد تفقد و نوازش قرار می‌داد. به هر ناحیه و منطقه که می‌رسید به اقتضای قابلیت و استعداد و نیاز آن محل، تأسیساتی چون آب انبار، حمام، قنات و کاروانسرا احداث می‌کرد تا روستاییان و عابران به آسودگی و رفاه از آنها استفاده نمایند.^{۲۸}

۵- در سال ایت‌ئیل^{۲۹} (۱۲۷۸ق)، وکیل‌الملک از دور و نزدیک شنید که امیرامین ایرافشانی در بلوچستان، به خیانت برخاسته و طایفه احمد زهی هم سر از اطاعت برتافته‌اند. برای فرو نشانیدن این فتنه و فساد، به تجهیز لشکر پرداخت و عازم بلوچستان شد. پس از ورود به بمپور، ابتدا قلعه ایرافشانی را، که مدتها از تصرف دولت مرکزی خارج شده بود، با سپاه سواره و پیاده، به مدت چهل روز محاصره و سرانجام به تصرف درآورد. قلعه گیان، سر به اطاعت گذاشتند و امیرامین ایرافشانی به کیفر خیانت، به دست سپندخان از خوانین بلوچ، کشته شد و طایفه یاغی احمد زهی هم با کمک ممدخان سرحدی به سختی گوشمالی داده شد.^{۳۰}

۶- در آن سال، قحطی در بلوچستان به حدی بالا گرفته بود که مردم بمپور به علف صحرا سدّ جوع می‌کردند و هر روز پنج نفر از شدت گرسنگی جان می‌دادند. وکیل‌الملک به خاطر سلامت و نجات نفوس بمپور، برای آنان جیره مقرر داشت. برای این منظور دو بیست خروار غله اختصاص داد و در مدتی که در بمپور، اقامت داشت دستور داد قورخانه‌ای محکم^{۳۱} در قلعه این شهر و حمام و آب‌انبار و اصطبل برای اسبان توپخانه و انبار غله و کاه در خارج از قلعه بنا کنند که در عرض یک سال ساخته شد.

۷- در سال تنکوزئیل^{۳۲} (۱۲۷۹ق) به افزایش اقطاع بلوچستان پرداخت و با تصرف و تسخیر قلعه پیشین بر اقطاع آن دیار افزود.^{۳۳}



۸- در همین سال از بلوچستان خبر رسید که صاحب‌منصبان انگلیسی از بندر کوادر (گوادر)^{۳۴} آمده و در نظر دارند که برای تصاحب و سُلطه بر بندر طیس (تیس = تیز)^{۳۵} در جنوب استان کرمان، اقدام به آبادی و ساخت و ساز نمایند. وکیل، پس از شنیدن این خبر، برای جلوگیری از این تصرف در خاک ایران، بی‌درنگ میرزا مهدی‌خان سرهنگ را از قشون کرمان روانه بندر تیس (Tis) نمود و به او مأموریت داد که هرچه زودتر در آنجا قلعه‌ای بنیاد کند که نشانه قدرت و تصرف دولت مرکزی در آن ناحیه باشد. میرزا مهدی‌خان هم شتابان به بندر تیس رفت و طبق دستور وکیل قلعه‌ای کوچک در آنجا بنا نهاد. تا اسبابی باشد برای منع مداخله بیگانگان در این ناحیه از کشور.

۹- در نوروز سال فرخنده اودئیل^{۳۶} (۱۲۸۱ق) برای انتظام سرزمین نیمروز (سیستان)، که در آن زمان مختل و پریشان بود، فرمان سفر به سیستان به نام وکیل‌الملک شرف صدور یافت. وکیل به محض دریافت فرمان، برگ سفر ساز کرد و پس از پنج روز، با سپاهی انبوه از سواره و پیاده از نرماشیر راه سیستان را باز کرد. در مدت دو سال با سرکوبی یاغیان و خونین متمرّد و آشوبگر، امنیت را به منطقه سیستان بازآورد و اوضاع آنجا را سر و سامان داد و از راه بیرجند، قاین و نصرت‌آباد به کرمان بازگشت. در حالی که به علت تحمل زحمت و مشقت زیاد و گرمای شدید هوا بیمار بود.

پس از این سفر موفقیت‌آمیز بود که به پاس خدمات ارزشمندی که از او به ظهور رسیده بود به فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورد عنایت و تفقد مخصوص قرار گرفت و به امتیازات خاص، مناصب، القاب، حکومت، سرداری، لقب‌خانی و اعطای عصای مرصع و قمه و کارد مکمل به الماس و نشان و تمثال همایونی مفتخر و سرافراز شد و به حکمرانی مملکت کرمان و بلوچستان و سیستان سرافراز آمد.^{۳۷}

وکیل‌الملک در اواخر عمر، در کمال سعادت و اعتقاد، به خیال بقای سرای ابدی افتاد و نسبت به حفر نهر نجف‌اشرف اقدام نمود. سپس براساس قانون شرع مقدس اسلام، تمام مایملک خود، از نقد و جنس و ضیاع و عقار را به فرزند ارجمند و خلف ارشد خود مرتضی قلی‌خان سرتیپ، مصالحه کرد و سرانجام در روز ۱۶ جمادی‌الثانی توشقان نیل (۱۲۸۴ق) مزاج او از اعتدال



بگشت و در دهه نود، زندگانی را وداع گفت. طبق وصیت او، جنازه‌اش را با کمال احترام در نجف اشرف به خاک سپردند.^{۳۸} وکیل‌الملک مردی بود کاردان، باکفایت، باتجربه، مدیر، مدبر، سخنور، خوش‌قلم، ادب‌دوست و سیر و تواریخ را به‌خوبی می‌دانست.

آثار

عمران و آبادی شهرها و روستاها، احداث قناتها، ساختمان قلاع محکم در سرحدات، احداث دهات و مزارع در استان و مستغلات زیاد در شهر کرمان و همچنین، بنای ساختمانهای زیاد در تهران، تبریز، قم، نور، مازندران، هشتروند آذربایجان و یزد. به چاپ رساندن کتب، وقف موقوفات، بنیان مساجد و تکایا و مدارس، دستگیری فقرا و مستمندان و ایجاد نظم و آرامش در سراسر ایالات کرمان و بلوچستان نمونه‌هایی از آثار و خدمات اوست که در زیر آمار آنها ارائه می‌شود.

الف- بناهای شهری

- ۱- بازار بزرگ، طولانی و زیبای وکیل در شهر کرمان شامل ۱۶۰ دکان (حد فاصل، بازار گنجعلی‌خان و مسجد جامع مظفری).
- ۲- کاروانسرای بزرگ و باشکوه در دو طبقه مشتمل بر ۱۲۰ اتاق به اضافه خلوت، طویله، بارانداز و سایر ملزومات در وسط بازار وکیل.
- ۳- خانه‌های وسیع و عالی در اطراف بازار و کاروانسرای وکیل.
- ۴- دو باب حمام بزرگ و کوچک برای استفاده مردان و زنان در کمال زیبایی و استحکام.
- ۵- تالاری بزرگ و رفیع با ده اتاق در باغ گلشن (دیوانخانه یا ارگ حکومتی).
- ۶- دو انبار بزرگ و وسیع برای جمع‌آوری غلات دیوانی در ارگ حکومتی کرمان.
- ۷- یک باب مازارخانه (گیاه فروشی، داروفروشی) بسیار وسیع مشتمل بر دو سنگ حناسایی.
- ۸- دو دروازه جدید برای شهر کرمان- یکی دروازه ناصری به نام ناصرالدین شاه و دیگری به نام وکیل.
- ۹- احداث باغات و امارات عالی شامل: تالار، اتاق، ایوان، حمام، انبار و اصطبل در مزرعه زریسف در خارج از شهر کرمان.



- ۱۰- احداث مدرسه‌ای برای استفادهٔ علما، ادبا و طلاب در قریهٔ لنگر در شش فرسنگی کرمان و همچنین یک باب یخچال در خارج از این آبادی و وقف آن به مدرسهٔ لنگر.
- ۱۱- تعمیر اساسی ایوان بزرگ (مسجد جامع مظفری) که بر اثر زلزله شکست برداشته بود.
- ۱۲- بنای شبستانی بزرگ و رفیع در مسجد ملک (توران شاه سلجوقی).
- ۱۳- بازسازی یکی از صحنهای آستانهٔ مقدس حضرت شاه نعمت‌الله ولی.
- ۱۴- بازسازی و بنای دروازه‌های گبری، رُق‌آباد و سلطانی پس از انهدام و خرابی و تغییر نام دروازهٔ گبری و سلطانی به نامهای خراسان و دولت.
- ۱۵- احداث خانه، حمام و باغات در مزرعهٔ سرآسیاب، یک فرسنگی شهر و ده بالا در سه فرسنگی شهر کرمان.
- ۱۶- احداث چهار باغ، با طرح و بنای بسیار در مزرعهٔ رحیم‌آباد در خارج از شهر کرمان.
- ب- کاروانسرا در معابر**
- ۱۷- کاروانسرای بزرگ از خشت خام در خارج از شهر کرمان، متصل به دروازهٔ سلطانی.
- ۱۸- کاروانسرای بزرگ از گچ و آجر به اضافهٔ آب‌انباری بزرگ در مزرعهٔ رباط در دو منزلی شهر کرمان در راه یزد.
- ۱۹- کاروانسرای بزرگ و رفیع با دو رشته قنات در ناحیهٔ کرمانشاهان در سه منزلی یزد.
- ۲۰- کاروانسرای از سنگ و گچ و آجر در روستای قلعهٔ عسگر از اقطاع بلوک بردسیر.
- ۲۱- کاروانسرای در روستای نگار در دو منزلی شهر کرمان، در راه بندرعباس.
- ۲۲- کاروانسرای (خان سرخ) در راه سیرجان.
- ۲۳- تعمیر اساسی کاروانسرای شمش بازمانده از زمان صفویه. نزدیک گردنهٔ زین‌الدین در راه انار به یزد در سه راهی شهر بابک- انار- یزد.
- ۲۴- تعمیر کاروانسرا و راهداری ناحیهٔ زین‌الدین.
- ۲۵- کاروانسرای در روستای دارزین در پنج فرسخی بم با یک رشته قنات.
- ۲۶- کاروانسرای بزرگ به ظرفیت یک هزار نفر در روستای تهرود در راه بم به نرماشیر.



۲۷- کاروانسرای در ناحیه هتکا در راه بم- نرماشیر و بلوچستان برای استفاده مسافران و قشون مأمور به بلوچستان.

۲۸- کاروانسرای در روستای سروستان در راه راین به جیرفت.

۲۹- کاروانسرای بزرگ از گچ و آجر در روستای دربند در راه خراسان.

۳۰- کاروانسرای در راه نایبند و راور.

پ- در بلوکات

۳۱- کاروانسرا و آب و انبار در روستای ماهان.

۳۲- احداث بازار، کاروانسرا، مسجد، آب انبار و حمام در شهر بم جنب امامزاده.

۳۳- کاروانسرا (زایرسرا) و بازاری در جوپار.

۳۴- حفر چند رشته قنات و احداث چند مزرعه، باغ و حمام در نرماشیر.

۳۵- احداث پلی محکم بر روی رودخانه تهرود.

۳۶- بنای حمام در روستای (رودبار) بم.

۳۷- بنای حمام در روستای دروساری از اقطاع جیرفت.

۳۸- بازسازی و تعمیر اساسی قلعه و حفر چند رشته قنات و احداث باغ و چند باب حمام در ناحیه ریگان سرحد نرماشیر به بلوچستان.

۳۹- بنای حمام در مزرعه عزیزآباد نرماشیر از مزارع خالصه.

۴۰- احداث حمام در مناطق دارزین، رودبار و بمپور.

۴۱- احداث قنات در روستاهای کروک و کلان زهو.

۴۲- احداث قلعه و قنات در ناحیه اسپهکه (نصرت آباد).

۴۳- احداث حمام، تکیه، مسجد و باغ در روستاهای کارزار از توابع بلوک بردسیر و تعویض نام آن به لاله‌زار.

۴۴- احداث حمام و مسجد در بلوک گوک.^{۳۹}

۴۵- احداث بنای آستانه، بقعه، صحن و زایرسرای شاهزاده حسین از فرزندان امام موسی بن جعفر (ع) در جوپار کرمان.



- ۴۶- احداث چند خانه، باغ، حمام و مزرعه در قریه جویبار.
- ۴۷- تعمیر و بازسازی اساسی امامزاده ولی در تهران شمیران با کمک صدیق‌الملک و اتصال آن به مدرسه و مسجد امیرنظام.
- ۴۸- احداث خانه و عمارت شخصی باشکوه در محله سنگلج تهران.
- ۴۹- احداث تکیه‌ای بزرگ در محله سنگلج تهران به نام حضرت سیدالشهدا (ع) با مدرسه، حمام و آبریزگاه برای برقراری نماز جماعت به امامت حاج شیخ حسن مدرس.
- ۵۰- احداث تکیه‌ای در روستای یوش از توابع نور مازندران.
- ۵۱- کمک به چاپ و نشر کتابهای: ۱- احوالات پیامبر(ص) و خلفا و اصحاب بزرگوار آن حضرت؛ ۲- احوالات حضرت امیرالمؤمنین (ع) از مجلدات ناسخ التواریخ لسان‌الملک سپهر و ادامه آن با کمک وکیل‌الملک دوم.
- ۵۲- کمک به ترجمه و چاپ تاریخ ایران اثر سرجان ملکم.
- ۵۳- کمک به روزنامه ادب به مدیریت محمدحسین فروغی ذکاء‌الملک.
- ۵۴- بنای عمارت و برج و باروی (سراسلطان) هشترود، مقر حکومتی این شهر.
- ۵۵- بنای عمارات، دکاکین، حمام و حفر قنوات در شهر تبریز محله حکم‌آباد.^۴

جانشین، فرزندان و نوادگان

۱- مرتضی قلی خان

محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل‌الملک اول) پس از اینکه در سال (۱۲۷۷ق) به طور مستقل حکومت کرمان و بلوچستان را به دست آورد، مرتضی قلی خان پسر بزرگ خود را، که سرهنگ فوج ملایر بود، با درجه سرتیپی به کرمان فراخواند و به ریاست دو فوج کرمان منصوب کرد. بدین صورت که حکومت با خودش و ریاست قشون با پسرش بود. بعدها در سال (۱۲۸۶ق) همین مرتضی قلی خان ملقب به لقب پدر (وکیل‌الملک دوم) شد و در همین سال به جای حسین خان شهاب‌الملک (نظام‌الدوله) شاهسون، حاکم کرمان شد و حکومتش تا سال (۱۲۹۵ق) در کرمان ادامه داشت.



مرتضی قلی خان (وکیل‌الملک دوم)، نجم‌السلطنه، دختر فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما (مادر دکتر محمد مصدق، مصدق‌السلطنه) را به عقد ازدواج خود درآورد، او را با کالسکه به کرمان آورد. اهالی کرمان که تا آن زمان کالسکه ندیده بودند و هر روز برای تماشای کالسکه به در خانه حاکم ازدحام می‌کردند. مرتضی قلی خان، در سال (۱۲۹۶ق) در تهران درگذشت و در نجف اشرف در کنار مزار پدرش به خاک سپرده شد.^{۴۱}

آثار و خدمات وکیل‌الملک دوم

مرتضی قلی خان هنگامی که به حکومت کرمان رسید نظم و عزم، دولت‌خواهی، مردم‌داری، محاسن کردار و محامد اطوار پدر را ادامه داد و بناهای ناتمام او را به پایان آورد.

- ۱- با پرداخت ۸۵ (هشتاد و پنج) هزار تومان کار حفرِ نهرِ نجف اشرف را به پایان آورد.
- ۲- در آستانه حضرت فاطمه معصومه (ع) عمارت، رواق و سر درِ عظیمی بنا نهاد.
- ۳- مزار حاج محمدحسن نائینی^{۴۲} را با هزینه‌ای بیش از هزار تومان، تعمیر کرد.
- ۴- کاروانسرای برای رفاه حال عابران و قافله‌ها در راه بافق به یزد احداث کرد.
- ۵- اتمام ساختمان صحن وکیل‌الملکی در آستانه حضرت شاه نعمت‌الله ولی در ماهان.
- ۶- افزودن بازارچه رفیع و زیبایی به بازار وکیل کرمان.
- ۷- احداث میدانی وسیع به نام میدان شاه در ارگ کرمان.
- ۸- احداث مسجدی مسقف (شبستان) در جنب مدرسه ابراهیم خان ظهیرالدوله.
- ۹- احداث باغی بزرگ به نام باغ نشاط در خارج از شهر کرمان.
- ۱۰- بنای عمارات عالی و رفیع در ارگ حکومتی (باغ نظر).
- ۱۱- احداث باغات و عمارات در مزرعه اسماعیل‌آباد جوپار.
- ۱۲- احداث تأسیسات نظامی براساس اصول جدید برای آموزش دفاعی مدرن و نگهداری سلاح در باغ نظر، دیوان‌خانه و مرکز ستاد قشون در قسمت غربی شهر اندکی خارج از شهر (محل فعلی باغ ستاد و دادگاه ارتش).



۲- سردار نصرت

میرزا حسین خان معروف به عدل‌السلطنه، فرزند مرتضی قلی خان (وکیل‌الملک دوم) که از سال ۱۳۱۵ق در کرمان و بلوچستان به‌جای پدر مشاغل مهم دولتی با او بود. سردار نصرت با عناوین و القاب جمله‌الملک، نایب‌الحکومه، رئیس نظام و سرتیپ توپخانه، همه امور کشوری و لشکری این ایالت را برعهده داشت. از سال ۱۳۲۸ق به بعد، به‌ویژه در حکومت کرمان دخالت‌ها و مسئولیت‌های مهم داشت. در غوغای دودستگی‌های بعد از استبداد صغیر و تشکیلات حزب دموکرات در کرمان، جزو عوامل مهم محسوب می‌شد. در دوره پنجم مجلس شورای ملی به نمایندگی شهر کرمان تعیین و به تهران رفت. سردار نصرت، در تمام عمر به خدمتگزاری و انجام خواسته‌های مردم و امور خیریه اقدام می‌ورزید. در اواخر عمر، دیوان اشعار شاه نعمت‌الله ولی را با خطی خوب به‌نحو مطلوب به چاپ رسانید و سرانجام حدود سال ۱۳۵۳ق درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. سردار نصرت دو پسر داشت: حسن خان مرآت اسفندیاری (مرآت السلطنه) فرزند میرزا حسین خان سردار نصرت که در دوره‌های ششم تا چهاردهم مجلس شورای ملی از رفسنجان و سیرجان وکیل مجلس شد و در روز یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۲۶ش در تهران درگذشت.

عبدالله خان عدل اسفندیاری (عدل‌السلطنه) برادر حسن خان مرآت و پسر سردار نصرت و نماینده دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی از بم و سیرجان. عبدالله خان در سال ۱۳۰۴ق به دنیا آمد. پس از تحصیلات و کسب معلومات مصدر خدمات دولتی گردید. مدت‌ها نیابت حکومت کرمان را به‌عهده داشت و سالها به حکومت کاشان و بم مشغول بود. در اواخر عمر تابلوی بسیار زیبایی از مرحوم محمداسماعیل خان وکیل‌الملک تهیه و همراه با ۱۱۴ جلد از کتابهای شخصی خود به کتابخانه آستان شاه نعمت‌الله ولی تقدیم کرد. تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۴۲ش در کرمان درگذشت.

محسن خان مرآت اسفندیاری فرزند حسن خان مرآت پسر سردار نصرت که در دوره‌های پانزدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم از کرمان و سیرجان به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. رستم خان اسفندیاری (رفعت‌الدوله) برادر عدل‌السلطان و پسر مرتضی قلی خان و نماینده دوره‌های



سوم و چهارم مجلس شورای ملی از شهر جیرفت. رستم خان سالها ضابط بلوک خبیص بود.^{۴۳} ولی خان عموی سردار نصرت (پسر محمداسماعیل خان) که اغلب ضابطه بلوکات کرمان را به عهده داشت. محمداسماعیل خان وکیل الممالک پسر میرزا فتحعلی خان وکیل الممالک پسر وکیل الملک اول نماینده دوره پنجم مجلس شورای ملی از بم.

ملک منصور اسفندیاری فرزند محمدجوادخان محتشم ممالک فرزند امیر شوکت ولی خان (سالار مفخم) برادر مرتضی قلی خان وکیل الملک دوم که در دوره های ۲۱ و ۲۲ به نمایندگی از کرمان و سیرجان به مجلس شورای ملی راه یافت.^{۴۴}

پی‌نوشت‌ها

۱. سایکس، سرپرسی، هشت سال در ایران، جلد اول، ص ۸۴.
۲. ابراهیم خان ظهیرالدوله فرزند مهدی قلی خان برادر کوچک‌تر آقامحمدخان قاجار که در ۲۲ سالگی به حکومت کرمان رسید. ابراهیم خان، از سال (۱۲۱۸ق تا ۱۲۴۰ق) حکومت کرمان و بلوچستان را در دست داشت.
۳. از قدیم‌ترین ایام تا پایان دوره قاجار، حکومت کرمان و بلوچستان به‌عنوان یک ایالت به عهده یک حاکم گذاشته می‌شد.
۴. مجموعه ابراهیم خان حدود سال (۱۲۳۰ق)، مجموعه وکیل در حدود سال ۱۲۷۶ق و مجموعه حاج آقاعلی رفسنجانی حدود سال ۱۲۹۹ق در شمال و شرق مجموعه گنجعلی خان ساخته شد.
۵. کیومرث میرزا، پسر قهرمان میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه پسر فتحعلی شاه.
۶. نایب‌الحکومه، وزارت.
۷. محمداسماعیل خان نوری اسفندیاری (وکیل الملک اول) جدّ خاندان اسفندیاری کرمان که از شعبان سال ۱۲۷۵ق تا ۱۲۷۷ق نایب‌الحکومه کرمان بود و از آن پس تا ۱۶ جمادی‌الآخر سال ۱۲۸۴ق که درگذشت، حکمرانی آن سرزمین را در دست داشت.
۸. توقف اجباری، نوعی تبعید.
۹. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، جلد اول، مقدمه، ص ۴.
۱۰. وزیری، احمدعلی خان، تاریخ کرمان، جلد دوم، ص ۸۰۸.
۱۱. نوری اسفندیاری، اسدا...، تاریخ خانواده اسفندیاری، ص ۶۶.
۱۲. از رقبا و مخالفان آقامحمدخان قاجار.
۱۳. نویسنده تاریخ خاندان اسفندیاری.
۱۴. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۷، جلد ۳، ص ۲۹۷-۱۸۰.
۱۵. نوری اسفندیاری، همان، ص ۶۶.
۱۶. ناصرالدین میرزا ولیعهد = ناصرالدین شاه.



۱۷. قوی‌نیل (۱۲۷۵ق)، نام سال هشتم از تقویم خطایی و اوغوری (سال گوسفند). این تقویم اصلاً چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت.
۱۸. نوری اسفندیاری، همان، ص ۶۷.
۱۹. همان.
۲۰. نام دو قلعه در خاک بلوچستان.
۲۱. نوری اسفندیاری، همان.
۲۲. ناحیه‌ای دوردست در بلوچستان.
۲۳. نام آبادی در مشرق نرماشیر در قلب کویر که تا شهر بم، بیست فرسنگ فاصله دارد.
۲۴. نوری اسفندیاری، همان، ص ۶۸.
۲۵. روستایی در حد فاصل جوپار- قناتستان.
۲۶. نوری اسفندیاری، همان.
۲۷. ضابط: حاکم، عامل، مسئول جمع‌آوری خراج و مالیات برای دولت.
۲۸. نوری اسفندیاری، همان.
۲۹. ایت‌نیل (سال سگ) در تقویم اوغوری.
۳۰. نوری اسفندیاری، همان، ص ۷۳.
۳۱. اسلحه خانه.
۳۲. تنکوژنیل (سال خوک) در تقویم اوغوری.
۳۳. نوری اسفندیاری، همان.
۳۴. نام بندری در شرقی‌ترین مرز آبی ایران در ساحل دریای عمان که از بنادر بلوچستان بوده است.
۳۵. بندر تیس (طیس، تیز، Tis) از بنادر خلیج فارس در ساحل بلوچستان و بندر تجاری کرمان قدیم.
۳۶. اودنیل (سال گاو) در تقویم اوغوری.
۳۷. نوری اسفندیاری، همان، ص ۷۶.
۳۸. همان؛ نیز: احمدعلی خان وزیری، تاریخ کرمان، انتشارات علمی، جلد دوم، ص ۸۰۸.
۳۹. روستایی آباد نزدیک خبیص (شهداد) که پس از بازسازی زلزله سال ۱۳۶۰ به گلباف تغییر نام داده است.
۴۰. نوری اسفندیاری، همان، ص ۷۲.
۴۱. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، جلد ۳، ص ۲۹۷.
۴۲. یکی از علمای مراجع تقلید و استادان حوزه علمیه نجف در قرن سیزدهم هجری.
۴۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، جلد اول، ص ۳۱۰-۳۰۹.
۴۴. وزیری، همان، جلد اول، ص ۸۶.

منابع

- احمدی، شیخ یحیی، فرماندهان کرمان، انتشارات دانش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۲۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، راهنمای آثار تاریخی کرمان، کرمان، نشریه فرهنگ، ۱۳۳۵.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، وادی هفتواد، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵، ص ۲۶۴.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۷، جلد ۳، ص ۲۹۷-۱۸۰.



- پوراحمد، احمد، *جغرافیا و ساخت شهر کرمان*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، *بناهای تاریخی کرمان*، ص ۷۸-۸۶.
- زنگی آبادی، علی، *جغرافیا و برنامه‌ریزی کرمان*، تهران، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.
- سایکس، سرپرسی، *هشت سال در ایران*، جلد اول، ص ۸۴.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، *تاریخ بیداری ایرانیان*، جلد اول، ص ۳۱۰-۳۰۹.
- نوری اسفندیاری، اسدالله، *تاریخ خانواده اسفندیاری*، چاپ اقبال، تهران، ص ۷۸-۵۸.
- وزیری، احمدعلی خان، *تاریخ کرمان*، انتشارات علمی.

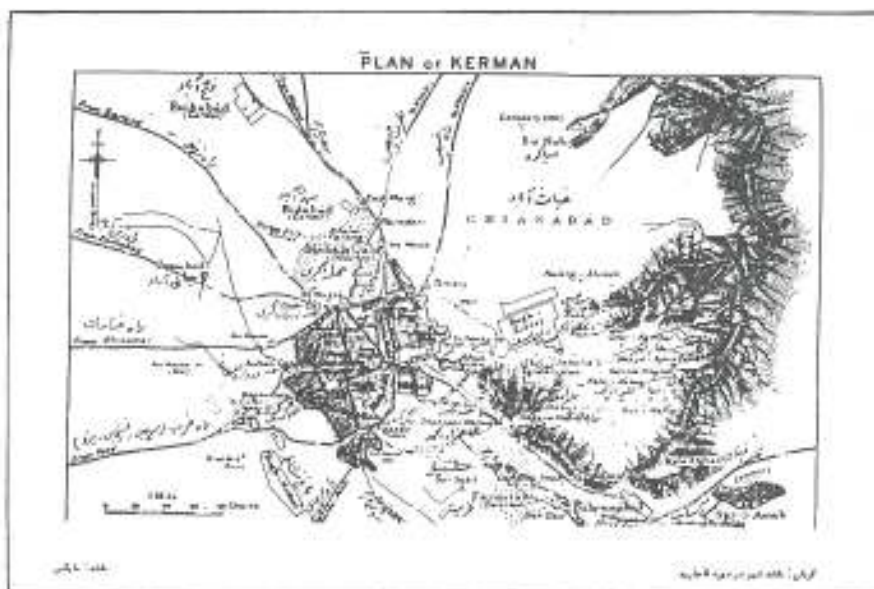


محمد اسماعیل خان نوری (وکیل الملك)



فتحعلیخان کوه نور





کرمانیان در زمان ساسانیان